



برای اینکه اگر به جای درست کردن ابرو زدیم چشم اقتصادو کور کردیم مواظبمون باشه!!

دیگه این چشم‌پزشکه رو برای چی آوردی؟

دکتر قائم‌پناه، معاون رئیس‌جمهور، چشم‌پزشک است.

حل مشکل مدارس در مناطق محروم با نگاه بسیجی

رئیس‌جمهور تاکید کرد:

همان مناطقی که به مدرسه نیاز دارند، می‌توانیم کل مشکلات کمبود مدارس را یک‌ساله با نگاه بسیجی بسازیم.» رئیس‌جمهور همچنین در بخش دیگری از سخنان خود با تاکید بر اهمیت بهره‌گیری از همه توان کارشناسی و ظرفیت‌های داخلی، بهره‌گیری از توانمندی‌ها و تجربیات برتر بین‌المللی را نیز ضروری توصیف و تصریح کرد: «امروز رقبا با بهره‌گرفتن از جدیدترین توانمندی‌ها و کمک گرفتن از موفق‌ترین شرکت‌ها به سرعت در حال پیشرفت هستند و ما نیز باید به شکل مقتضی با اعزام متخصصان و کارشناسان به خارج از کشور برای فراگرفتن آخرین دستاوردهای فناوریانه یا به خدمت گرفتن متخصصان و مجموعه‌های مسلط به این فناوری‌ها و توانمندی‌ها، با سرعت و قوت مسیر تحقق اهداف سند چشم‌انداز را طی کنیم.»

پزشکیان با بیان اینکه اگر می‌خواهیم در منطقه اول باشیم، نمی‌توانیم از رقبای خود عقب بمانیم، اظهار کرد: «توسعه کشور با ادامه روند فعلی امکان‌پذیر نیست، اینکه بخواهیم همچنان منابع اولیه را از جنوب کشور و دریا به مرکز بیاوریم و تبدیل به محصول کنیم و دوباره برای صادرات به جنوب بفرستیم، به شدت توان رقابت ما را مستهلک کرده و کاهش می‌دهد؛ چاره‌ای نداریم جز اینکه مرکزیت اقتصادی و سیاسی کشور را به جنوب و نزدیک دریا منتقل کنیم.»

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهوری در بازدید روز گذشته خود از فعالیت‌های زیربنایی و زیرساختی فراگاه سازندگی خاتم‌الانبیاء (ص) اظهار کرد: «ما هم جزو شما بوده، هم بسیجی بوده، هستیم و خواهیم بود. این نگاه بسیجی به معنای واقعی می‌تواند مملکت را نجات دهد. ان‌شاءالله دست به دست هم داده و کاری کنیم که مردم ما به شما، ما و نسلی که رفتند و جان دادند و زندگی خود را گذاشتند تا استقلال و آزادی را برای ما بیاورند، افتخار کنند. ما هر کاری از دستمان بر بیاید در خدمت شما هستیم.»

او تاکید کرد: «باید جلسه‌ای با بچه‌های بسیج برای ساختن یکسری مدارس برگزار کنیم، ما تجربه موفق برای ساخت خانه‌های بهداشت به شکل بسیجی در تبریز داریم. در عرض شش ماه بالغ بر ۶۰۰ خانه بهداشت را با همین شیوه ساختیم. ما فقط مصالح می‌دادیم ولی مردم کمک می‌کردند. بچه‌ها کار می‌کردند. مهندس‌ان داوطلبانه کار می‌کردند. بنده تصور می‌کنم اگر جلسه‌ای برگزار کنیم می‌توانیم تمام مشکل مدارس را در مناطق محروم برطرف کنیم، مصالح را دولت می‌دهد و کار و فعالیت را به مردم می‌سپاریم. می‌توان از ظرفیت دانشجویان برای کشیدن نقشه استفاده کرد. بنده تصور می‌کنم که راحت با کمک

ظرفیت منابع آب تهران برای ۷ میلیون نفر

سیدآرش حسینی‌میلائی، رئیس کمیته محیط‌زیست



پنجمین شورای شهر تهران در گفت‌وگو با هم‌میهن تاکید می‌کند که سخنان رئیس‌جمهور درباره معضلات تهران از دیرباز یکی از دغدغه‌های اهالی محیط‌زیست بوده است. میلائی درباره نگرانی پزشکیان برای معضل آبی در پایتخت می‌گوید: «از دهه ۸۰ خورشیدی این موضوع در تهران مطرح شده بود که تهران ظرفیت تامین آب برای جمعیتی ۷ میلیونی را دارد و برای جمعیتی مازاد بر این عدد ضروریست که منابع و سایر حوضه‌های آبخیز اطراف تهران به این شهر انتقال داده شود؛ اقدامی که در عمل منجر به کاهش حق بهره‌بردار حوضه‌های مذکور چه در حوزه محیط‌زیست و چه حقله‌های کشاورزی و صنعتی حوضه‌های مبدأ می‌شود. «او یادآوری می‌کند که احمدی‌نژاد شاخص‌های طرح جامع را تغییر و بدون توجه به ظرفیت تامین منابع آب از محدوده تهران، ظرفیت جمعیت‌پذیری این شهر را افزایش داد. به گفته این عضو پیشین شورای شهر تهران به دنبال این اقدام احمدی‌نژاد، عملاً حتی تخصیص آب سد‌هایی مانند سد طالقان به تهران افزایش یافت؛ این در حالی بود که قرار بود عمدتاً تخصیص آب این سد به سمت پایین‌دست آن بوده و عمده آب آن به دشت قزوین و مصارف شرب و صنعتی تخصیص یابد.» میلائی این راه‌می‌گوید که چنین اقداماتی مسائلی را برای منابع آبی اطراف تهران ایجاد می‌کند: «مهم‌ترین مسئله آن است که در حال حاضر اکثر حوضه‌های آبخیز کوهستانی که تامین‌کننده آب شرب تهران هستند دارای سد هستند و بیش از این نمی‌توان سدی بر روی این حوضه‌ها ایجاد کرد. حتی من شنیده‌ام که به محدوده الموت هم در برنامه‌های مطالعات و شناسایی منابع آب فکر می‌کنند. این در حالیست که انتقال منابع آبی که در در دست تهران واقع شده هم بسیار پرهزینه است و هم بی‌اصافی در حق مردم آن منطقه است که آب را از نقطه دور به تهران منتقل کنند.»

انتقال پایتخت ضروری است

رئیس کمیته محیط‌زیست پنجمین دوره شورای شهر تهران با تاکید بر اینکه محدودیت منابع آبی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کارشناسان محیط‌زیست بوده است که رئیس‌جمهور به درستی بر آن تاکید کرده، اضافه می‌کند: «اما محدود کردن رشد جمعیت در تهران بسیار دشوار است. یعنی ایجاد محدودیت برای رشد جمعیت این شهر با توجه به اینکه تهران، پایتخت کشور است، عملاً از نظر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به این راحتی مقدور نیست. به‌ویژه این اقدام در یک دوره ۴ ساله یا ۸ ساله بسیار مشکل است.» او تصریح می‌کند: «چنین اقدامی نیازمند یک تصمیم بسیار راهبردی و کلان برای نظام و کشور است. یعنی جابه‌جایی پایتخت و انتقال آن به نقطه‌ای دیگر از کشور برای اینکه اندکی شتاب موتور توسعه و رشد تهران کمتر شود. چنین پروژه‌ای بسیار بزرگ و سخت است. در شرایط فعلی اقتصادی و سیاسی کشور اجرای چنین پروژه‌هایی نیازمند بسیاری زمینه‌سازی‌ها و بسترسازی‌هاست که بنده چنین مسئله‌ای را در افق آینده نمی‌بینم. از جمله این زمینه‌سازی‌ها تامین مالی بسیار قوی برای انتقال پایتخت است.» میلائی این راه‌می‌گوید که برای کنترل رشد در تهران باید پایتخت را به نقطه‌ای دیگر منتقل کرد تا آهنگ رشد به معنای توسعه‌ای آن اندکی کمتر شود: «با این وجود هم راهکارهایی وجود دارد که بتوان اندکی محدودیت‌های محیط‌زیستی را کاهش داد. نبود آب برای توسعه شهر نوعی محدودیت محیط‌زیستی است. به این معنا که باید در اموری مانند بازیافت آب، تامین آب شرب از طریق تصفیه فاضلاب، ایجاد تحول در سیستم‌های آبیاری فضای سبز و پیشرفته‌سازی آن و تغییر نوع کشت در شهر، سرمایه‌گذاری شود.» او توضیح می‌دهد که همه این اقدامات بر کاهش میزان تقاضای عادی برای آب تأثیرگذار است و در کوتاه‌مدت هم مقدور نیست: «نمی‌شود درباره این اقدامات خیلی هم شعار و وعده داد و نیازمند برنامه‌ریزی مناسب و هماهنگی به‌ویژه میان مدیریت شهری، وزارت نیرو، وزارت کشور و سایر دستگاه‌های مربوطه است.» این متخصص محیط‌زیست تاکید می‌کند که رسیدن به شرایط مناسب برای تهران راهکارهایی دارد که مستلزم بسیاری اقدامات زمینه‌ایست تا ایند برای آن اقدامات کردن آهنگ رشد در تهران فراهم کند: «برای چنین اقداماتی باید علاوه بر منطقه شهری تهران سایر شهرستان‌های استان تهران را هم در نظر بگیریم. نمی‌توان تنها برای رشد در شهر تهران ایجاد محدودیت کرد. زیرساخت‌های جمعیتی و تبادل جمعیت و کار این شهرستان‌ها با خود متروپل تهران هم مطرح است. درباره این مناطق هم باید محدودیت رشد اعمال شود. در واقع برنامه آمایش آب‌محور را باید در محدوده فلات مرکزی پیش برد که از این اقدام بسیار دور هستیم. با توجه به شرایط سخت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور بسیار زود است. این اقدام به منابع مالی و اعتماد و رضایت عمومی نیاز دارد همچنین نیازمند اراده قوی ساختار حاکم و هماهنگ و وفاقی است که باید برای این کار وجود داشته باشد.»

نگاه روزنامه‌نگار

بگیرم؛ اگر هم توانستم، یعنی موفق شدم مرحله‌ای مثل پیدا کردن دو ضامن کارمند و ضمانت‌ها و وده‌ها صفحه کاغذبازی را انجام دهم. اما یک مدیر که حتی موفق هم نیست، می‌تواند با چرخش یک خودکار این رقم را به خود اختصاص دهد. لازم به ذکر است که بیشترین میزان وام قرض‌الحسنه‌ای که پس از سختی فراوان بشود از صندوق‌های قرض‌الحسنه و نه بانک‌ها گرفت، به ندرت از ۳۰ میلیون تومان فراتر می‌رود. پس مردم کاملاً برای این نارضایتی، محق هستند. نکته دیگر این است که حتی اگر این را بپذیریم که چنین وامی - البته در مقابل مبالغ فسادها هیچ است اما برای مردم عادی مثل ما کارگشاست - برای خدمات در خشان یک مدیر به او تعلق گرفته، آیا مدیر مستغفی بورس در میان مدیران موفق قرار می‌گیرد؟ جست‌وجویی کردم در میان تحلیل‌هایی که از عملکرد عشقی وجود دارد. خوش‌بین‌ترین تحلیلگر می‌کند اتفاقاً خبرگزاری مهر که حامی دولت سیدابراهیم‌ریسی بود مصاحبه‌ای داشت، عشقی را یک مدیر متوسط توصیف کرده بود. مدیری با این سابقه، چرا به راحتی می‌تواند از این امتیاز بهره‌مند شود؟ از حق نگذریم؛ بخشی از واکنش‌ها به ماجرای وام عشقی هم به امام صادقی بودن او بر می‌گردد. آن بخش از جامعه که مسائل سیاسی را دنبال می‌کند و با به نحوی در اقتصاد حضور دارد، معمولاً واکنش خوبی نسبت به فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق نشان نمی‌دهد. این مسئله هم ریشه‌ای طولانی دارد که از حوصله این یادداشت بیرون است. اما اگر به‌طور خلاصه بخواهیم بگوییم، آن که خاطره خوشی ندارد، یک طرف سعید جلیلی و تحریم‌های شورای امنیت را می‌بیند، طرف دیگر حجت‌الاسلام‌المسلمی را می‌داند ایجاد اشتغال با یک میلیون تومان سرمایه‌گذاری ۱۰۰ میلیارد دلاری امارات در ایران، سیداحسان خاندوزی با ادعای کاهش خود به خودی ۱۵ درصدی تورم، نیم‌نگاهی هم به وضعیت سازمان صداوسیما، تیم اقتصادی دولت سیزدهم و... می‌اندازد. عشقی هم از طیف امام صادقی‌هاست و با داکتر همین تیم اقتصادی که از دانشگاه پل مدیریت آمدند پس طبیعی است که واکنش‌ها - شاید ناخودآگاه - به او بیشتر و تندتر باشد. چون متخصصان خروجی دانشگاه امام صادق معمولاً صدای بلند و عملکرد اندکی داشتند. آخرین نکته این است که وقتی مردم به سختی زندگی می‌کنند، چرا چنین امتیازهایی وجود دارد؟ شاید بگویند عشقی به‌عنوان یک نمونه، درس خوانده و رشد کرده و بالا آمده است. اما خیلی از جوان‌های به مراتب لایق‌تر از مدیر مستغفی بورس وجود دارند که در چرخ‌دنده‌های بوروکراسی استخدامی کشور له شدند و مجالی برای بالا آمدن پیدا نکردند. اگر توانستند بار سفرشان را بستند و اگر نتوانستند احتمالاً عصرها راننده تاکسی اینترنتی شدند تا هزینه زندگی را تأمین کنند. شاید هم به دلایلی رو آورده باشند. این تبعیض‌ها مسائلی نیست که فراموش شود یا جامعه به آن‌ها واکنش نشان ندهد. آن هم جامعه‌ای خسته، فرسوده و غوطه‌ور در بحران‌های معیشتی که دلایل زیادی برای گلایه دارد. اگر طرف ظاهری مانند مجید عشقی داشته باشند، این واکنش هم تندتر می‌شود.

داستان یک وام عشقی



محسن صالحی‌خواه
گزارشگر هم‌میهن

رئیس سازمان بورس استعفا داد. البته بعد می‌دانم این موضوع ارتباطی به افزایش وام دو میلیارد و هفتصد میلیون تومانی با بازپرداخت ۱۰ ساله و سود ۴ درصد داشته باشد. چون رئیس سابق بورس پس از افشای آن نامه و ذکر این نکته که پرداخت وام مذکور در دوران انتقال دولت بوده، مقابل دوربین تلویزیون ظاهر و درباره قانونی بودن این وام که به او ۴ تا دیگر از اعضای شورای عالی بورس تعلق گرفته بود صحبت کرد. آن بندگان خدا هم نفری یک میلیارد و نهصد میلیون تومان وام گرفته بودند. نوش جان؛ اما چند سوال و نکته وجود دارد. پیش از هر چیز باید بگویم تطمیع افراد با عامل پول، یک راه شناخته‌شده است. یعنی آن کسی که می‌خواهد هر خلافی را مرتکب شود و نیاز به جلب همکاری فرد خاصی دارد، از مسیر تطمیع وارد می‌شود. خواه این جلب همکاری برای جاسوسی باشد یا استفاده از جایگاه فردی برای ارتکاب جرایم مالی. به همین دلیل، این موضوع در دنیا پذیرفته شده است که وقتی افرادی در سازمان‌هایی خاص کار می‌کنند یا دسترسی‌های ویژه‌ای دارند، به رفاه‌شان توجه شود که مسیر تطمیع مالی آنان از سوی مجرمین را ببندند. بنابراین، ممکن است سیستم بانکی برای جلوگیری از رخ دادن فساد، کارمندان خود را با یک سازمان امنیتی، افسران خود را از لحاظ مالی تأمین کند. در این مسئله شکی نیست؛ همیشه هم این سیاست پاسخگو نیست. شاید آن مصوبه‌ای که عشقی مدیر مستغفی بورس به آن استناد کرده، بر همین اساس باشد. چون محدودیت‌هایی برای مدیران بورس وجود دارد. اما نباید این مسئله را از ذهن دور کرد که مصوبه مورد استناد عشقی، ۸ خرداد ۱۴۰۳ یعنی ۹ روز بعد از سقوط بالگرد رئیس دولت سیزدهم به تصویب رسیده و وام هم در تیرماه یعنی زمانی که کشور درگیر مسئله انتخابات و انتقال قدرت بود پرداخت شده است. اما این اصل جلوگیری از تطمیع برای بخش زیادی از جامعه پذیرفته نیست. اول به خاطر اینکه اخبار استفاده و سوءاستفاده‌های قانونی و غیرقانونی در کشور ما آتقدر زیاد بوده که کمتر کسی اهمیت می‌دهد وام ۲/۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومانی به رئیس سازمان و ۱/۹۰۰/۰۰۰/۰۰۰ تومانی به دیگر اعضای شورای عالی بورس، قانونی است یا غیرقانونی. آن کسی که به این مسئله واکنش نشان می‌دهد، دلایل فراوان و قابل قبولی برای ناراحتی دارد. با خودش می‌گوید من برای ۱۰۰ میلیون تومان وام دویدم اما نتوانستم آن را